تحلیل روز

چشمداشت ترکیه به شمال سوریه

مسعود اسداللهی- پس از پایان جنگ جهانی اول و شکست خوردن امپراتوری عثمانی، پارلمان این کشور در سال ۱۹۲۰ نقشه‌ای را با نام "میثاق ملی" به تصویب رساند که مرزهای جدید ملی آن کشور را از دید ترک ها مشخص می کرد. در این نقشه، مرزهای جنوبی ترکیه با سوریه و عراق باید شامل استان های اسکندرون، حلب و الجزیره (شرق فرات) در سوریه و استان های موصل و سلیمانیه در عراق باشد. بدین ترتیب، مرز جنوبی آن کشور از منطقه "کسب" در شمال لاذقیه شروع و به جنوب کرکوک تا مرزهای عراق و ایران ختم می شد اما معاهده "سور" که در ۱۰ اوت ۱۹۲۰ بین طرف های برنده جنگ جهانی اول و امپراتوری شکست خورده عثمانی در فرانسه امضا شد، مرزهای ترکیه با سوریه را از شمالی ترین نقطه خلیج اسکندرون تا ماردین و نصیبین در مرز با سوریه (تحت قیمومیت فرانسه) ترسیم کرد، ولی افسران نظامی ترکیه به فرماندهی مصطفی آتاتورک، این معاهده را به رسمیت نشناختند و جنگی با نام "استقلال" به راه انداختند به گونه ای که "جامعه ملل" مجبور شد مرزهای ترکیه و سوریه را تغییر دهد و مرزهای بین دو کشور را به جنوب خط مرزی معاهده سور منتقل کند. در کنفرانس لوزان سوئیس که به توافق نامه "لوزان" در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳ منجر شد، کشور جدید ترکیه با مرزهای فعلی آن با عراق و سوریه به رسمیت شناخته شد (به استثنای استان اسکندرون که در حاکمیت سوریه باقی ماند اما با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹، دولت فرانسه که قیمومیت سوریه را بر عهده داشت، این استان را به عنوان "رشوه سیاسی" به ترکیه واگذار کرد تا این کشور به نفع آلمان وارد جنگ جهانی دوم نشود). بعد از توافق نامه لوزان، ترکیه همواره خواستار حاکمیت بر موصل و سلیمانیه در عراق بود و مذاکرات مربوط به آن در "جامعه ملل" بدون نتیجه باقی مانده بود تا این که توافق نامه "آنکارا" در سال ۱۹۲۶ بین ترکیه و انگلستان امضا شد و بر اساس آن، ترکیه پذیرفت که در قبال صرف نظر کردن از موصل و سلیمانیه، سالانه به مدت ۲۵ سال، ۱۰ درصد از درآمدهای نفتی کرکوک و موصل را صاحب شود. ترکیه به صورت غیر رسمی شایعاتی را منتشر می کند مبنی بر این که یکی از بندهای غیر علنی توافق نامه آنکارا این بوده که در صورت فروپاشی دولت های عراق و سوریه، ترکیه حق خواهد داشت مناطق مد نظر خود در سوریه و عراق را بر طبق نقشه میثاق ملی که در جنوب مرزهای ترسیم شده توسط توافق نامه لوزان قرار دارد، تحت حاکمیت خود درآورد. هم اینک، دولتمردان ترکیه مدعی هستند که اعتبار توافق نامه لوزان در سال ۲۰۲۳ یعنی صد سال پس از امضای آن، به پایان می رسد و ترکیه حق خواهد داشت که برگزاری همه پرسی را بین اهالی مناطقی که ترکیه آن جا را بخشی از خاک خود می داند، خواستار شود. این مناطق اکنون شامل استان های حلب، ادلب و مناطق کردنشین شرق فرات در سوریه واستان های موصل، اربیل و سلیمانیه در شمال عراق می شود. تمامی تلاش های نظامی و سیاسی ترکیه هم اینک با هدف آمادگی برای مرحله بعدی یعنی گذشت صد سال از توافق نامه لوزان است تا اردوغان بتواند خواستار همه پرسی در بین ساکنان آن مناطق شود و آن مقدار از این مساحت جغرافیایی وسیع را که می تواند، به ترکیه ضمیمه کند. بنابراین سیاست ترکیه تا سال ۲۰۲۳، تضعیف حاکمیت دولت های عراق و سوریه بر مناطق شمالی این دو کشور و تقویت حضور خود در آن جا و ایجاد پایگاه مردمی برای ترکیه در آن مناطق از طریق ارائه خدمات عمومی است تا بدین وسیله نتیجه همه پرسی مد نظر به نفع پیوستن آن مناطق به ترکیه باشد.

کارتون روز

کاریکاتور العربی الجدید ملت های عرب را به تصویر کشیده که به دست نظام های استبدادی گرفتار شده اند؛ نظام هایی که تنها کارایی شان کنترل ملت های عرب و حمایت از اسرائیل است.

نمای روز

معترضان علیه سیاست های ضد مهاجرتی دولت ترامپ در مقابل کاخ سفید تجمع کردند. آنان بنرها و دست نوشته هایی همچون «کمپ ها را ببندید»، «بازداشت بی پایان شکنجه است»، «آمریکا را دوباره انسانی سازیم» و «انسان باشید» در دست داشتند.

«نژادپرستی سیستماتیک» صهیونیست ها

موج اعتراض ها به کشته شدن جوان اتیوپیایی به دست پلیس اسرائیلی به تظاهراتی خشونت آمیز انجامید که حدود ۳۰۰ زخمی و ۱۳۵ بازداشتی داشت

موج برخورد خشونت آمیز با سیاه پوستان از ایالت های مختلف آمریکا به کوچه پس کوچه های متحد استراتژیک واشنگتن یعنی تل آویو رسیده است. هزاران نفر از مهاجران آفریقایی به همراه دیگر اقلیت های ساکن در سرزمین های اشغالی تظاهرات گسترده‌ای را علیه نژادپرستی سیستماتیک در نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی برگزار کردند. خیابان های شهرهای فلسطین اشغالی از جمله تل آویو، وادی الخلیل و حیفا شاهد تظاهرات و اعتراض های گسترده چند هزار مهاجر آفریقایی به خشونت و نژادپرستی پلیس رژیم صهیونیستی علیه اتباع آفریقایی بود. ویدئوهای منتشر شده نشان می دهد که ده ها معترض خشمگین برای کشته شدن جوان اتیوپیایی توسط پلیس این رژیم، دست به برافروختن آتش و واژگون کردن خودروهای پارک شده می زنند. در ویدئویی کوتاه دیده می شود که یک خودروی سواری از بالای یک آپارتمان به کف آسفالت خیابان سقوط می کند. این تظاهرات به قدری شدید و گسترده بود که بیش از ۲۰۰ معترض و ۱۱۰ نیروی پلیس رژیم صهیونیستی مجروح و دست کم ۱۳۵ نفر از معترضان نیز بازداشت شدند، اما این تظاهرات از کجا شروع شد؟ «سالومون تکا» جوان ۱۸ ساله اتیوپیایی که تابعیت اسرائیلی نیز داشت، حین منازعه‌ای بی خطر با یک جوان سیاه‌پوست دیگر در حیفا، توسط یک پلیس صهیونیست که خارج از خدمت و ساعت کاری بود، با شلیک مستقیم گلوله کشته شد. آن افسر پلیس ادعا کرد که تلاش داشته در منازعه دو جوان سیاه‌پوست میانجی گری و آن ها را از یکدیگر جدا کند اما هدف پرتاب سنگ قرار گرفته و مجبور شده است تیراندازی کند. این ادعا در حالی است که شاهدان می گویند نه تنها سنگ پراکنی در کار نبوده است بلکه پلیس صهیونیست بدون لحظه‌ای اغماض با یک شلیک مرگبار سالومون را از پای در می آورد. بازداشت کوتاه و سپس آزادی موقت افسر صهیونیست نیز باعث خشم بیشتر اتباع آفریقایی شد. وبگاه «تایمز اسرائیل» درباره خشمی که در پس این تظاهرات بود، این گونه می نویسد: «برای اسرائیلی - اتیوپیایی های جوان که روز سه‌شنبه به قتل یکی دیگر از اعضای جامعه خود توسط پلیس اعتراض کردند، این فقط یک ابراز عصبانیت راجع به نژادپرستی سیستماتیک ریشه‌دار در پلیس اسرائیل نبود بلکه فریادی از سر ناامیدی راجع به واهی بودن وعده های مکرر تغییر است». یکی از معدود معترضانی که حاضر به مصاحبه با خبرنگار روزنامه «هاآرتص» شد، می گفت: «ما به خیابان آمده ایم تا به نژادپرستی و تبعیضی که برای مدت هاست علیه ما روا می دارند، اعتراض کنیم. پلیس (اسرائیل) می تواند فقط به دلیل این که یک مرد جوان از تبار دیگری است، به سادگی به او تیراندازی کند. اگر او یک اتیوپیایی نبود، قطعا بدین شکل خاتمه نمی یافت». هم اینک حدود ۱۴۰ هزار یهودی اتیوپیایی با فراخوانی که رژیم صهیونیستی برای مهاجرت تمام یهودیان از سراسر دنیا داده بود، در فلسطین اشغالی زندگی می کنند که از این تعداد حدود ۵۰ هزار نفر در همین منطقه به دنیا آمده اند. اتیوپیایی ها حدود ۵/۵ درصد جمعیت صهیونیست ها در فلسطین اشغالی را تشکیل می دهند. شبکه هفت تلویزیون رژیم صهیونیستی گزارش داد در این اعتراض ها حداقل شش آمبولانس، چهار موتورلانس و یک واحد مراقبت های ویژه سیار از سازمان خدمات درمانی رژیم صهیونیستی موسوم به «ماغن داوید آدوم» آسیب دید. چندین خودروی متعلق به پلیس و شهروندان صهیونیست نیز تخریب، واژگون و به آتش کشیده شد. گفته می شود میزان خسارت وارد شده فقط به خیابان ها و ادوات راهنمایی و رانندگی حدود ۲۸۰ هزار دلار برآورد شده است.

امتیازدهی با «لیست سیاه»

آمریکا گروه جدایی طلب «ارتش آزاد بلوچستان» پاکستان و جیش الظلم را تروریستی اعلام کرد. هدف آمریکا از این اقدام چیست؟

دولت آمریکا در اقدامی سیاسی برای ترغیب دولت پاکستان به همکاری با برنامه های کاخ سفید در منطقه و دادن سیگنال مثبت به ارتش پاکستان برای همراه شدن با پروژه صلح با طالبان، گروه جدایی طلب موسوم به "ارتش آزاد بلوچستان" این کشور و نیز جیش الظلم را در لیست سیاه خود قرار داد. قرار گرفتن نام گروه ارتش آزاد بلوچستان در لیست سیاه دولت آمریکا از درخواست های قدیمی دولت پاکستان از کاخ سفید بود که مقامات واشنگتن به آن توجه نمی کردند. دولت آمریکا ضمن تحریم گروه ارتش آزاد بلوچستان از شهروندان این کشور خواسته است هیچ گونه ارتباطی با اعضای این گروه نداشته باشند. ارتش آزادی بخش بلوچستان در سال های اخیر مسئولیت حمله به نیروهای پاکستانی و خطوط لوله گاز در استان جنوبی بلوچستان را بر عهده گرفته است. در بیانیه وزارت خارجه آمریکا نیز همچنین آمده است که گروه جندا... در سال ۲۰۱۰ میلادی در فهرست سازمان های "تروریستی" ایالات متحده قرار گرفته بود اما در سال ۲۰۱۲ این گروه با نام جدید "جیش الظلم" فعالیت خود را ادامه داده است. پس از متلاشی شدن گروهک تروریستی جندا...، برادر عبدالمالک ریگی سرکرده معدوم این گروه تروریستی و تعدادی دیگر از اشرار در تلاش برای سامان دهی باقی مانده گروهک برآمدند که به علت اختلافات درون گروهی و تسویه حساب های داخلی با یکدیگر درگیر و به دو شاخه تقسیم شدند و در نهایت گروهی به نام جیش الظلم را راه انداختند. اقدام واشنگتن در قرار دادن نام گروه تروریستی ارتش آزاد بلوچستان و جیش الظلم در فهرست سیاه خود در حالی است که آمریکا در برخورد با تروریسم مواضع کاملا دوگانه ای دارد. آمریکا که از سال ۲۰۰۴ و بنا به عوامل مختلف وارد چالش جدی در روابط خود با پاکستان شده است، تاکنون با ابزار کاهش و توقف کمک های مالی و نظامی موفق به وادار کردن اسلام آباد به کمک برای برنامه های خود در افغانستان نشده است. این گمانه مطرح است که اقدام جدید آمریکا در گنجاندن نام گروه ارتش آزاد بلوچستان در فهرست سیاه خود اقدامی سیاسی با هدف ارائه امتیاز به پاکستان برای کمک به خارج شدن واشنگتن از بحران عمیق در جنگ افغانستان و توقف کارشکنی در مسیر برنامه های کاخ سفید در این کشور است. رفتار دولت آمریکا در چارچوب استفاده ابزاری از تروریسم و قرار دادن گروه های افراطی در فهرست سیاه، با نمونه هایی از دوگانگی آشکار همراه بوده است. به عنوان مثال به رغم آن که گروهک تروریستی منافقین مرتکب جنایات بی شمار علیه مردم ایران شده و هزاران نفر را در جریان عملیات های تروریستی خود به شهادت رسانده است نه تنها به گنجاندن نام منافقین در فهرست سیاه اقدام نکرده است بلکه از اقدامات آنان به شیوه های مختلف از جمله ملاقات با سران آن ها حمایت می کند. آمریکا در مسئله فلسطین نیز با وجود تروریسم دولتی که از سوی رژیم صهیونیستی علیه مردم بی دفاع فلسطین در حال اعمال است اما نام جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) را که با حملات جنایتکارانه اسرائیل مقابله می کند، در لیست سیاه قرار داده است. تداوم سیاست دوگانه آمریکا در مسئله تروریسم موجب شده است تا پدیده افراط گرایی با حمایت کاخ سفید بیش از گذشته امنیت و ثبات در مناطق مختلف جهان را به مخاطره بیندازد.

مخالفان از گوایدو ناامید شده اند

زورآزمایی رهبر مخالفان دولت با مادورو تاکنون نتیجه‌ای نداشته است، گوایدو برای حفظ انرژی حامیانش به دنبال رهبر جدید خواهد رفت؟

اعمال شدیدترین فشارهای دیپلماتیک و تحریم های شدید اقتصادی توسط آمریکا علیه دولت نیکلاس مادورو تاکنون نتیجه بخش نبوده است. باوجود حمایت های آمریکا از خوان گوایدو رهبر مخالفان دولت ونزوئلا؛ حامیان وی روز به روز از عملکرد گوایدو ناامید شده اند و بسیاری از مخالفان می گویند که دیگر امیدی به این که بتوانند مادورو رئیس جمهور این کشور را از قدرت کنار بزنند؛ ندارند. چهار روز پیش از آن که خوان گوایدو با هدف سرنگون کردن دولت نیکلاس مادورو دست به شورش نظامی بزند، وی در جمع حامیانش گفته بود: در چند روز آینده خودمان درباره سرنوشت مان تصمیم گیری می کنیم. گوایدو در آن روز به حامیانش اطمینان داد: ما در مسیر تعیین شده قرار داریم اما پس از ۳۰ آوریل (۱۰ اردیبهشت) و شورش نظامی کوچک در کاراکاس، نیروهای نظامی اکنون در پادگان ها به سر می برند و مقامات کلیدی دولتی نیز از تغییر مواضع شان امتناع کرده اند. به نوشته رویترز، گفت و گو با شماری از مردم ونزوئلا و همچنین نتایج نظرسنجی های جدید نشان می دهد که بیشتر مردم درباره روند کند تغییرات در ونزوئلا در بحبوحه شرایط سخت زندگی ناامید شده اند. شماری از این افراد نیز اعلام کردند که امیدشان را برای این که گوایدو بتواند مادورو را از قدرت کنار بزند، از دست داده اند. رافائل ناوارزیک راننده تاکسی در این باره گفت: پیشتر در تاریخ ۳۰ آوریل امید زیادی به گوایدو داشتم اما اکنون این گونه نیست. تحلیل گران معتقدند که به احتمال زیاد نتیجه این است که شرایط فعلی تداوم خواهد داشت و گوایدو نیز به دنبال راهبرد جدید برای حفظ انرژی حامیانش خواهد بود. شتاب حرکتی مخالفان دولت از زمان شورش ۳۰ آوریل کمتر شده و شرکت کنندگان در گردهمایی های عمومی گوایدو کاهش یافته اند. از آن زمان تاکنون هیچ اعتراض مهمی توسط مخالفان دولت کاراکاس سازمان دهی و برگزار نشده است. مادورو که از حمایت کشورهایی همچون ایران، روسیه و چین برخوردار بوده از گوایدو به عنوان یک عامل آمریکا یاد کرده است. مشکلات اقتصادی ماه هاست ونزوئلا را به سوی بحرانی سیاسی کشانده است. بحران اقتصادی در این کشور باعث کمبود مواد غذایی و دارو، قطعی برق و سیل عظیمی از مهاجرت شده است. طی سال های گذشته دست کم سه میلیون نفر از این کشور به کشورهای دیگر گریخته اند. در ژانویه سال ۲۰۱۹ (دی ۱۳۹۷) "خوان گوایدو" رئیس مجمع ملی ونزوئلا با شروع مجدد دولت "نیکلاس مادورو"، صحت انتخابات ریاست جمهوری را زیر سوال برد و خود را به عنوان رئیس جمهور موقت ونزوئلا معرفی کرد، از آن زمان تاکنون بحران سیاسی به بحران اقتصادی افزوده شده است. ونزوئلا همچنان به دنبال راه های مختلف برای جبران هزینه و درآمدهای خود است و در این زمینه دولت مادورو توانسته است برای به دست آوردن درآمد و به رغم مواجهه با تحریم های آمریکا، بخشی از ذخایر طلای خود را بفروشد.

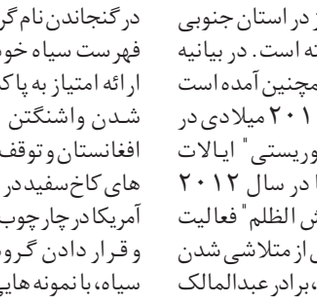

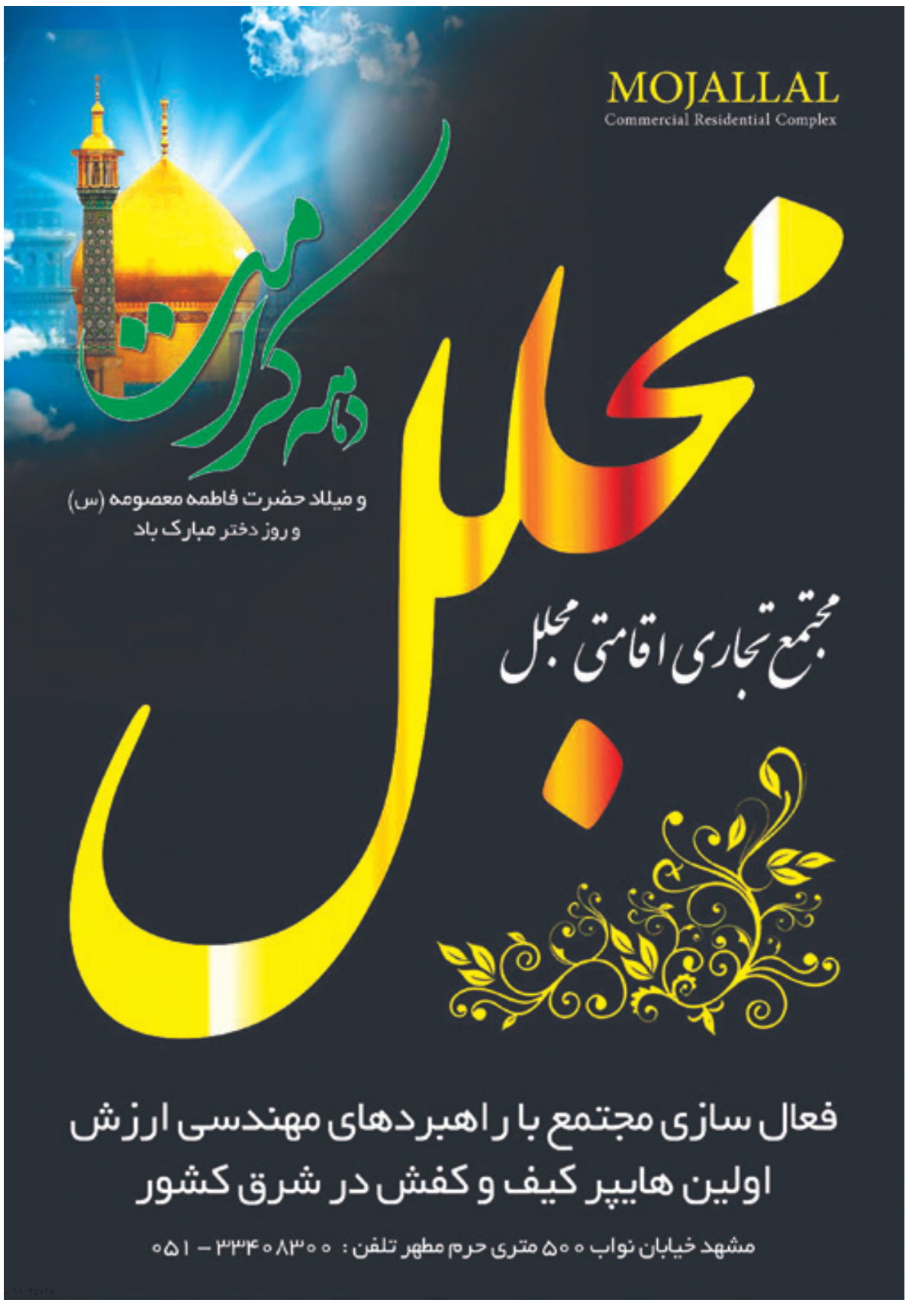

قاب بین الملل

ابوظبی فیلمی را با عنوان برادران نازی تولید کرده که در فضای مجازی به شدت مورد بحث و تمسخر قرار گرفته است. فیلم به رابطه میان اخوان المسلمین و هیتلر اشاره دارد! تهیه کنندگان فیلم ادعا کرده اند فیلم را بر اساس اسناد و مدارک تاریخی ساخته اند!

خبر متفاوت

۷۶ درصد نمایندگان پارلمان بریتانیا سلامت روانی مطلوبی ندارند

یورونیوز- نتایج تحقیقات گروهی از روان پزشکان بریتانیایی نشان می دهد که تعداد قابل توجه سه چهارم از قانون گذاران بریتانیا دچار تالمات روحی و روانی هستند. تمام ۶۵۰ نماینده مجلس عوام بریتانیا برای این نظرسنجی روان پزشکی دعوت شده بودند که تنها ۱۴۶ نفر یعنی ۲۳ درصد از آن ها پذیرفتند که مورد مطالعه روان پزشکان قرار بگیرند. در میان این ۱۴۶ نفر ۴۲ درصد سلامت روانی مطلوبی ندارند. ۳۴ درصد احتمالا مبتلا به بیماری های روانی هستند و تنها ۲۴ درصد هیچ نشانه ای از بیماری روحی و روانی ندارند. مدیر این گروه تحقیقاتی، دان پاولتریکی از روان پزشکان زبده بریتانیایی است که این گزارش تحقیقی با درخواست او انجام شده است. این مطالعات نشان می دهد که نمایندگان پارلمان بریتانیا نسبت به عموم مردم این کشور لرزش و شکنندگی بیشتری در مسائل روحی و روانی دارند.